

سلام و انواع آن در قرآن و یاسین

عاقله صابری*

چکیده

اصل در معنای سلام عاری شدن از آفات ظاهری و باطنی و سلامت خواهی است. این معنا، در همه مشتقات این کلمه مانند: «سلام»، «سلامت»، «کلام سلیم»، «تسلیم»، «مسالمة» و غیره جاری است.

«سلام» اگر به طور مطلق و بدون قید به کار رود، به معنای عاری بودن از هر آفت و عیب و نقص است به همین معنا نیز در قرآن کریم به عنوان یکی از اسما ذاتیة الهی به کار رفته است.

«سلام» مصدر باب تفعیل است و چون این باب گاهی به معنای متعدی نیز به کار می رود، لذا «سلام» در رابطه با خداوند، یکی از صفات فعلیه او نیز به حساب می آید، یعنی عالم هر چه دارد به تسلیم الهی است.

استعمال «سلام» در رابطه با خدای متعال بر دو گونه است:

الف: سلام به معنای سالم بودن از گناهان و عیوب، یعنی: خداوند شما را از تمامی گناهان و عیوب و نقص ها مبرا کرده است، و خداوند در قرآن کریم نیز به همین معنا به رسولان خود سلام داده است. ب: «سلام» به لحاظ متعدی بودنش، به معنای «تسلیم» و واگذار کردن امور به دیگری است.

مقصود از «سلام» ممکن است فعل خدا باشد؛ یعنی از سوی خداوند بر آنان سلامت و امنیت نازل می‌شود.

«سلام»، نام خداست و «دارالسلام»، یعنی جوار رحمت الهی و جایی که کلام و درودشان «سلام» است و از سوی خداوند هم به آنان «سلام» داده می‌شود: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸/۳۶). را تحیت خودش قرار داده است: در قرآن کریم مکرراً برای تحیت گویی از واژه «سلام» استفاده شده است: «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ»، «سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ»، «سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰى وَهَارُونَ»، «سَلَامٌ عَلٰى اِلٰى يٰسِينَ» و «سَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِينَ». و صریحاً فرموده که «سلام» تحیت فرشتگان است: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»، «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» و نیز فرموده: تحیت بهشتیان «سلام» است: «وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»؛ «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيْمًا * اِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا». در آموزه‌های قرآنی برای «سلام» به جهات مختلف اقسامی بیان شده است؛ مانند: سلام خوف و سلام محبت.

کلید واژه‌ها: سلام، تحیت، قرآن.

کلیات

کلمه «سلام» یکی از اسماء خدای متعال است. وجه تسمیة خدای سبحان به «سلام» این است که ذات متعالی خدا، نفس خیر است؛ خیری که هیچ شری در او راه ندارد. حتی بهشت را هم اگر «دارالسلام» خوانده‌اند، بدین روی است که در آن هیچ گونه شر و ضرری برای ساکنانش نیست. بعضی گفته‌اند بدین مناسبت است که بهشت خانه خداست؛ آن خدایی که یکی از نام‌هایش «سلام» است. البته هر دو وجه در حقیقت به یک معنا بازگشت می‌کند؛ برای این که وجه تسمیة خدای متعال به «سلام» برای این است که ذات کبریایی اش از هرگونه شر و سویی مبرا است.

سلام دادن در حقیقت اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام دهنده به شخصی است که به وی سلام می‌دهد. شخص سلام دهنده در حقیقت به سلام گیرنده اعلام می‌کند که تو از ناحیه من در امانی و هیچ گونه ظلم و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید اولین چیزی که در میان افراد یک اجتماع باید حاکم باشد، دارا بودن احساس امنیت است

و تک تک افراد جامعه بایستی مال و جان و آبرویشان از دستبرد یکدیگر در امنیت باشد. تشریح سنت سلام دادن به یکدیگر در واقع اعلان همین احساس امنیت به یکدیگر است. و خدای تعالی بعد از تشریح این سنت، مسلمانان را با رفتار پیامبرش؛ یعنی: سلام دادن آن جناب به مسلمانان با این که سید آنان و سرورشان بود، به این ادب مؤدب فرمود: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (الأَنْعَام، ۵۴/۶). علاوه بر این، خدای متعال به پیامبرش دستور داد به غیر مسلمانان نیز سلام بدهد و فرمود: «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (الزخرف، ۸۹/۴۳).

کارکرد تحیت و سلام

«سلام» به معنای رهایی از بلا، بیماری و نقصان است. سالم کسی است که بیماری جسمی یا روحی ندارد. «سلامت»، امری است که همه طالب آن، و می کوشند آن را به دست آورند. در زندگی دنیایی، انسان گرفتار انواع و اقسام بلاها و بیماری است که می خواهد از آنها رهایی یابد. در قرآن بیان شده است که یکی از نام های خداوند «سلام» است. سلام به معنای رهایی از هر نقص و عیب و بیماری و بلایی است. خداوند با بیان این که هرگاه با یک دیگر مواجه شدید از خدا بخواهید تا با اسم سلام بر طرف مقابل ظاهر شود و او را از بیماری و بلا و نقص برهاند چنان که هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) در آتش انداخته شد، خداوند با نام سلام بر او ظاهر شد و به آتش فرمان داد که برای او کمال و سلامتی باشد نه آن که وی را به نقص و بیماری بگیرد. (الأنبياء، ۶۹/۲۱).

ما همواره از خدا خواهان آنیم که ما را به نام سلام بگیرد و در تمام حالات تحت این نام قرار گیریم؛ چنان که پیامبران بزرگش را چنین کرد. در گزارش های قرآنی آمده است که خداوند به پیامبران بزرگش سلام می فرستد از زمان تولد تا مرگ تا رستخیز. (مریم، ۱۵/۱۹). در آموزه های اسلامی تحیت و سلام - زنده باد و درود و صلح خواهی - امر پسندیده اجتماعی است که کارکردهای گوناگون دارد.

آداب سلام

سلام که با سلامت، هم خانواده است به معنای نفی خطر یا ملزوم آن است. این شعار

اسلامی که به عنوان تحیت ادا می شود و در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته، شاید یکی از حکمت هایش این باشد که هر انسانی در زندگی دائماً نگرانی ها، خوف ها و دل واپسی هایی دارد و با هر کسی مواجه می شود. چون احتمال می دهد که از ناحیه وی ضرری به او برسد این نگرانی را دارد.

از این رو، در موارد متعددی واژه «سلام» همراه با ریشه «امن» آمده است؛ چنان که خدای متعال می فرماید: «السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ» (الحشر، ۲۳/۵۹). «مؤمن» در این جا یعنی: کسی که ایجاد امن می کند. و در روز قیامت خطاب به مؤمنین گفته می شود: «ادْخُلُوها بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (الحجر، ۴۶/۱۵)؛ «با سلام و امن وارد بهشت شوید».

وقتی می گوییم «سلام علیکم»، یکی از وجوه مطرح، قصد دعا است؛ یعنی: من از خدا می خواهم که سلامتی را برای شما تأمین کند و برگشتش به این است که سلام از ناحیه چه کسی باشد؟ وقتی می گوییم «سلام علیکم» یعنی: «سلام منی علیکم» یا «سلام من الله علیکم». آنچه بین عموم مردم متعارف است، این است که سلام کننده اعلان می دارد از ناحیه او خطری به شما نمی رسد. ولی کسی که بینش توحیدی دارد و در هر حال توجهش به خدا است، سلام را از ناحیه خدا می داند و از خدا در خواست می کند که برای او سلامت ایجاد کند و او را از خطرها حفظ کند. اگر به این قصد باشد، هم برای او تحیت است و هم دعا.

از چیزهایی که اهمیت موضوع سلام و سلامتی را اثبات می کند، همین است که خود اسلام، «سلام» تلقی شده و برنامه های اسلام «سُبُلُ السَّلَام» نامیده شده است. وقتی قرآن می خواهد اهمیت اسلام و قرآن را بیان کند، می فرماید: خدای متعال به وسیله قرآن راه های سلام را به مردم نشان می دهد و یکی از بزرگترین اوصاف قرآن این است که به سوی راه های سلام هدایت می کند.

جواب سلام: یکی از نکته هایی که در آداب معاشرت در قرآن کریم مورد تأکید واقع شده جواب تحیت است. در قرآن کریم می فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (النساء، ۸۶/۴) تحیتی که به عنوان شعار اسلامی تعیین شده، همان «سلام» است که مستحب مؤکد شمرده شده، ولی جواب سلام هم مطابق با آیه، باید برابر با تحیت یا کامل تر از آن باشد.

سلام در اسلام از لسان روایات

کلمه «سلام» تحییّتی است که صلح و سلامت و امنیت بین دو نفر را که به هم برمی خورند، اعلام می دارد؛ و چون تحیّت های جاهلیت قدیم و جدید، علامت تذلل و خواری زیر دست نسبت به ما فوق نیست.

در مجمع البیان در ذیل آیه شریفه: «وَإِذَا حُيِّتُمْ...» آمده است: علی بن ابراهیم در تفسیر خود از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت آورده که فرمودند: «مراد از تحیّت در آیه شریفه، سلام و سایر کارهای خیر است»^۱. - منظور این است که تنها رد سلام واجب نیست، هر احسانی دیگر که به مسلمان بشود، مسلمان موظف است آن را تلافی کند. -

در تهذیب از محمد بن مسلم روایت شده، که گفت: به حضور حضرت باقر(ع) شرفیاب شدم، دیدم که در نمازند؛ عرضه داشتم: السلام علیک، فرمود: «السلام علیک»، عرضه داشتم: حالتان چطور است؟ حضرت چیزی نفرمودند، همین که از نماز فارغ شدند، پرسیدم: آیا در نماز می توان جواب سلام داد؟ فرمود: «آری، به همان مقداری که به او سلام داده اند»^۲. شیخ صدوق به سندش از مسعدة بن صدقه از امام باقر(ع) از پدرش(ع) روایت کرده است که فرمود: «بر یهود و نصارا و مجوس سلام ندهید، و همچنین بر بت پرستان و بر کسانی که کنار سفره شراب نشسته اند و بر کسی که مشغول بازی شطرنج و نرد است، و بر مخنث- کسی که مردان را به خود می کشد- و بر شاعری که نسبت های ناروا به زنان پاکدامن می دهد. و همچنین بر نمازگزار سلام ندهید، چون نمازگزار نمی تواند سلام شما را پاسخ دهد، آری: سلام دادن برای شما مستحب است ولی پاسخ آن برای شنونده واجب است و نیز به ربا خوار و به کسی که در حال ادرار کردن است و به کسی که در حمام است، و نیز بر فاسقی که فسق خود را علنی می کند، سلام ندهید»^۳.

سیره ائمه اطهار(ع) در خصوص تحیّت و سلام

در تفسیر صافی از رسول خدا(ص) روایت شده که مردی به آن جناب سلام کرد و گفت: السلام علیک، حضرت در پاسخش فرمود: «السلام علیک و رحمة الله». مردی دیگر رسید و گفت: السلام علیک و رحمة الله، حضرت در پاسخش فرمود: «السلام علیک و رحمة الله و برکاته». مردی دیگر رسید و گفت: السلام علیک و رحمة الله برکاته، حضرت در پاسخش

فرمود: «و علیک». آن مرد سوال کرد که چطور پاسخ سلام مرا کوتاه کردی، و به آیه شریفه: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا...» عمل نکردی؟

حضرت فرمود: «تو برای من چیزی باقی نگذاشتی تا من رد سلام خود را با آن بچربانم و بدین جهت عین سلام خودت را به تو برگردانم». ۴

در کافی از امام باقر(ع) و آن جناب از امیرالمؤمنین(ع) روایت کرده که: «روزی به جمعیتی عبور کرد و به آنان سلام گفت، عرضه داشتند: علیک السلام و رحمة الله و برکاته و مغفرت و رضوانه، حضرت به ایشان فرمود: «در باره ما آنچه فرشتگان به پدرمان ابراهیم(ع) گفتند جلو نزنید، آنها گفتند: رحمة الله و برکاته علیکم أهل البيت». ۵

در این روایت اشاره است به اینکه سنت در سلام این است که آن را تمام و به طور کامل بدهند و سلام کامل این است که سلام دهنده بگوید: السلام علیک و رحمة الله و برکاته، و این سنت از آیین حنیف ابراهیم(ع) اخذ شده است.

پیشینه سلام

از آیات قرآن استفاده می شود که تحیت به معنای سلام - یا چیزی معادل آن - در اقوام پیشین بوده است؛ چنان که در سوره ذاریات آیه ۲۵ در داستان ابراهیم می گوید: هنگامی که فرشتگان مأمور مجازات قوم لوط به صورت ناشناس بر او وارد شدند، به او سلام کردند و او هم پاسخ آنها را به سلام داد: «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ».

پیش از اسلام، مردم هنگام برخورد با یکدیگر می گفتند: «حیاک الله»؛ اسلام که آمد، آن را به «سلام» تبدیل کرد. پس اسلام تحیت را اسم برای سلام قرار داد. ۶

از اشعار عرب جاهلی نیز استفاده می شود که تحیت به وسیله «سلام» در آن ایام نیز بوده است. البته تحیت به کلمه «سلام» به طوری که از تاریخ و اشعار و سایر آثار جاهلیت بر می آید، در بین عرب جاهلیت معمول بوده است. در کتاب لسان العرب آمده است: عرب جاهلیت چند گونه تحیت داشتند، گاهی در برخورد با یکدیگر می گفتند: «انعم صباحا»، گاهی می گفتند: «ابیت اللعن» و یا می گفتند: «سلام علیکم»، ظاهراً عبارت سوم علامت مسالمت است و در حقیقت به طرف مقابل می گفتند: بین من و تو مسالمت برقرار است و جنگی نیست. پس از آنکه اسلام آمد، تحیت را منحصر در «سلام» کردند و از ناحیه

اسلام مأمور شدند «سلام» را افشاء کنند.^۷

خدای سبحان در داستان‌های ابراهیم (ع) سلام را مکرر حکایت می‌کند و این خالی از شهادت بر این معنا نیست که این کلمه از بقایای آیین حنیف ابراهیم (ع) در بین عرب جاهلیت نیز مستعمل بوده است؛ نظیر حج و امثال آن که قبل از اسلام در میان آنان معمول بوده است: «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم، ۴۷/۱۹) در این عبارت، از ابراهیم (ع) حکایت کرده که در گفت و گو با پدرش گفت: «سلام علیک به زودی من از پروردگارم برایت طلب مغفرت می‌کنم» و نیز فرموده: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا» (هود، ۶۹/۱۱). این قضیه در چند جای قرآن کریم آمده است. هرگاه بیطرفانه این تحیت اسلامی را که محتوای توجه به خدا و دعا برای سلامت طرف و اعلام صلح و امنیت است، با تحیت‌های دیگری که در میان اقوام مختلف معمول است مقایسه کنیم، ارزش آن برای ما روشن‌تر می‌گردد.

مفهوم شناسی «سلام»

«سلم» و «سلام»، در لغت به معنی صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنای اطاعت تفسیر کرده‌اند.

«سلام» خداوند، صرف لفظ و کلام نیست؛ بلکه فعلی از افعال او، یعنی: نزول سلامت و امنیت از جانب او است؛ چنان‌که راغب در مفردات همین مطلب را آورده است: السَّلامَةُ التَّعَرُّيُّ مِنَ الْآفَاتِ الظَّاهِرَةِ وَ الْبَاطِنَةِ ... كُلُّ ذَلِكَ مِنَ النَّاسِ بِالْقَوْلِ، وَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِالْفِعْلِ.^۸

«سلام» اسم مصدر از باب تفعیل است و به معنای سلامتی و عافیت از آفت‌ها می‌باشد. «تسلیم» به معنای سلام کردن، اعطای چیزی به کسی، گردن نهادن، راضی شدن به چیزی، اطاعت و انقیاد و فرمانبرداری و سرسپردگی است. در این مدخل، معنای اول و دوم مورد بحث نیست و از واژه «سلم»، «طاعة»، «حنیف» و مشتقات آنها و هر آنچه معنای «تسلیم» را برساند، استفاده شده است.

مفهوم شناسی سلام در قرآن

در این که مقصود از «سلام» چیست، دو احتمال مطرح شده است: یکی «سلام» اصطلاحی و دیگری به معنای «تسلیم» بودن.^۹

منظور از «سلام»، سلامتی خواستن مؤمنان برای یکدیگر، از هر آفتی در قیامت است.^{۱۰} مقصود از «سلام» هر چیزی است که در آن ترس و وحشت نباشد.^{۱۱} «سلام» به معنای سلامت است.^{۱۲}

جمله «سلام علیکم» احتمال دارد انشایی، و احتمال دارد خبری باشد؛ بنابر خبری بودن عبارت «سلام علیکم»، بشارت از آن استفاده می شود.

«سلام»، اسم و صفت الهی به معنای سلامت از عیوب و آفات است؛ یعنی ذات احدیّت از جمیع نقص ها و عیوب سالم و مبراست. این اسم، به صورت «مصدری» یک بار در مورد خداوند به کار رفته است.

کلمه «سلام» اظهار حلم، گذشت و بردباری بندگان خاصّ خدا در برابر جهل جاهلان و تحمّل تأذی از سوی آنان باشد.^{۱۳}

معنای «سلام»، سلام بر اولیای خدا و اطاعت کنندگان از اوست و هرگاه ملائکه و روح آنان را ملاقات کنند، از جانب خداوند بر آنان سلام می کنند.^{۱۴} مقصود از «سلام» درود و تحیّت است.^{۱۵}

«تحیّت» در لغت از ماده «حیات» و به معنای دعا برای حیات دیگری کردن است؛ خواه این دعا به صورت «سلام علیک»؛ خداوند تو را به سلامت دارد. و یا «حیاک الله»؛ خداوند تو را زنده بدارد. و یا مانند آن باشد؛ ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن با یکدیگر می کنند شامل می شود، که روشن ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است.

«تحیّت» در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است. مقصود از «تحیّت» بنابر روایتی از امام صادق (ع) سلام و غیر آن مانند نیکی و احسان است.^{۱۶}

انواع سلام در قرآن

تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است که رمز تحیت می‌باشد. در اسلام نیز سلام یکی از روشن‌ترین تحیت‌ها است، و یک مصداق روشن آن سلام کردن است. از پاره‌ای از روایات، همچنین تفاسیر، استفاده می‌شود که اظهار محبت‌های عملی نیز در مفهوم تحیت داخل است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) چنین نقل شده که: «المراد بالتحية في الآية السلام وغيره من البر؛ منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه نیکی کردن است».^{۱۷}

و نیز در روایتی در کتاب مناقب چنین می‌خوانیم: کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن(ع) هدیه کرد، امام در مقابل آن، وی را آزاد ساخت. هنگامی که از علت این کار سؤال کردند، فرمود: «خداوند این ادب را به ما آموخته آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا» و سپس اضافه فرمود: تحیت بهتر، همان آزاد کردن او است!^{۱۸}. به این ترتیب، آیه یک حکم کلی در باره پاسخ‌گویی به هر نوع اظهار محبتی اعم از لفظی و عملی می‌باشد. از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود که سلام یک نوع تحیت است. در سوره نور چنین می‌خوانیم: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» (النور، ۶۱/۲۴)؛ «هنگامی که وارد خانه‌ای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید، تحیتی پر برکت و پاکیزه». در این آیه، سلام به عنوان تحیت الهی که هم مبارک است و هم پاکیزه معرفی شده است و ضمناً می‌توان از آن استفاده کرد که معنای «سلام علیکم» در اصل «سلام الله علیکم» است؛ درود پروردگار بر تو باد، یا خداوند تو را به سلامت دارد، و در امن و امان باشی؛ به همین جهت، سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک مخاصمه و جنگ محسوب می‌شود. تحیت براهل بهشت: از پاره‌ای از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود که تحیت براهل بهشت نیز «سلام» است. «أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرَّةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (الفرقان، ۷۵/۲۵)؛ «اهل بهشت در برابر استقامتشان از غرفه‌های بهشتی بهره‌مند می‌شوند و تحیت و سلام به آنها نثار می‌شود».

تحیت نبوی: طبق نص صریح آیات قرآن، پیامبر(ص) وظیفه‌دار پیشی‌جستن در سلام بر مؤمنانی است که به محضر او می‌آیند: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (الانعام، ۵۴/۶).

پیشی گرفتن در سلام از جانب پیامبر (ص)، تنها به عنوان یک وظیفه خاص و محدود مطرح نشده است، بلکه جلوه‌ای است از تواضع و اخلاق متعالی نبوی.

موظف شدن پیامبر (ص) به سلام کردن بر مؤمنان، گویای مقام رفیع مؤمنان در پیشگاه خداوند است. پیامبر (ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه‌های کافران شده است. «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (الأنعام، ۵۴/۶).

«وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بَسِيمًا هُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ» (الأعراف، ۴۶/۷)؛ «و میان بهشت و دوزخ حایلی است، و بر بلندی‌های آن مردانی هستند که هر کدام [از بهشتیان و دوزخیان] را از سیمایشان می‌شناسند؛ و بهشتیان را ندا می‌کنند که سلام بر شما باد. این در حالی است که آنان هنوز به بهشت در نیامده‌اند، ولی امید آن را دارند».

جمله «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» می‌تواند جمله‌ای انشایی باشد و می‌تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود.

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» جمله‌ای اخباری باشد. از امام صادق (ع) روایت شده است: «اعراف» بلندی‌هایی است بین بهشت و جهنم که هر پیغمبر و جانشین پیغمبری را آنجا در کنار گناه کاران زمانشان نگاه می‌دارند... و این در حالی است که نیکوکاران به بهشت رفته‌اند؛ پس این جانشین پیغمبر به گناه کارانی که با او هستند، می‌گوید: برادران نیکوکار خود را بنگرید که پیش از شما به بهشت رفته‌اند، پس این گناه کاران به ایشان سلام می‌کنند و این است معنای سخن خداوند: «وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ».

«سَلَامٌ» کلمه تحیت و درود بهشتیان به هنگام دیدار یکدیگر است.

و در آیه ۲۳ سوره ابراهیم و آیه ۱۰ سوره یونس نیز درباره بهشتیان می‌خوانیم: «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»؛ «تحیت آنها در بهشت سلام است».

امام باقر (ع) فرمود: «هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد، یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می‌گوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته، برایش حاضر می‌کنند بدون این که آن را طلبیده

یا دستور داده باشد، و این است معنای سخن خدای عزوجل: «دَعَاَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتَهُمْ فِيهَا سَلَامٌ؛ تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. [یونس، ۱۰/۱۰] امام فرمود: «وَأَخْرَجَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [یونس، ۱۰/۱۰]؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنی ها و آشامیدنی ها بهره مند شدند، با گفتن: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خدای عزوجل را حمد می گویند». ۱۹.

این که خداوند می فرماید: «تَحِيَّتُ مُؤْمِنَانَ فِي بَيْتِ اللَّهِ سَلَامٌ» تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است» حکایت از روابط خوب آنان می کند.

سلام کردن، از آداب معاشرت با مردم به هنگام وارد شدن بر آنان است: «قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ» (هود، ۶۹/۱۱). جواب سلام به وجهی نیکوتر از سلام سلام کننده، امری پسندیده و از سنت های پیامبران است.

فرشتگان نیز از هر سو بر بهشتیان سلام می فرستند: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» (الرعد، ۲۳/۱۳ و ۲۴).

امام صادق (ع) فرمود: «همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند... پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: «سلام عليكم بما صبرتم»؛ سلام بر شما باد به خاطر این که شکیبایی ورزیدید و از لذت ها و شهوت های حلال چشم پوشی کردید». ۲۰.

ملائکه نیز به هنگام قبض روح تقوایندگان بر آنان سلام می کنند: «الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (النحل، ۳۲/۱۶).

سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود بر یحیی (ع) در این آیه آمده است: «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۱۵/۱۹).

«سَلَامٌ» دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت. البته «سلام» از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا «سَلَامٌ عَلَيْهِ» یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است. نکره بودن «سَلَامٌ» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان

بودن از مواجه شدن با اموری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و... است. «عن أبي الحسن الرضا(ع) يقول: «إن أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثة مواطن: يوم يولد ويوم يموت ويوم يعث و قد سلم الله (عز وجل) على يحيى(ع) في هذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال: «و سلامٌ عليه يومٌ وُلِدَ و يومٌ يَمُوتُ و يومٌ يَبْعَثُ حياً»؛ از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: «همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود و روزی که می میرد و روزی که برانگیخته می شود و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حياً». ۲۱

از موارد کاربرد «سَلَامٌ عَلَيْكَ» جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در آیه «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۶۳/۲۵) آمده است. در گفت و گوی ابراهیم(ع) با آزر نیز ظاهراً «سلام» از همین نوع باشد. «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم، ۴۷/۱۹).

سلام گفتن مسلمانان به یک دیگر: سلام گفتن مسلمانان به یک دیگر، درودی مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند مقرر شده است.

مؤمنان، دارای جایگاهی ویژه نزد پروردگارانند و سلام آنان به یک دیگر، از ارزش خاصی برخوردار است. سلام کردن مؤمنان به یک دیگر، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است. بندگان خدا، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد.

سلام پیامبر اسلام بر دیگر انبیای الهی: به جا آوردن سپاس و ستایش خدا، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او، رهنمود الهی به پیامبر اسلام(ص) است. «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ» (النمل، ۵۹/۲۷).

هلاک شرک پیشگان مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران، شایان سپاس گزاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان اوست. بندگان برگزیده خدا- پیامبران(ع) - مشمول سلام الهی و امنیت مطلق «و سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ» (النمل، ۵۹/۲۷).

به هنگام دیدار مؤمنان با خدا، با واژه «سَلَامٌ» به آنان تحیت گفته می شود: «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ» (الأحزاب، ۴۴/۳۳)، تحیت گفتن با «سَلَامٌ» بهترین و شایسته ترین تحیت ها است.

از این که در وصف مؤمنان می فرماید: «به هنگام دیدار با خدا به آنان «سلام» می شود». به دست می آید که وقتی در چنان هنگام و حالتی برای تحیت، سلام گفته می شود، بهترین واژه برای تحیت، سلام است.

تحیت مؤمنان به هم، هنگام دیدار خدا، با واژه «سَلَامٌ» است: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸/۳۶)؛ «بهشتیان، سلام و تحیتی با عظمت از جانب خداوند دریافت خواهند کرد». «سَلَامٌ» مبتدا و خبر آن، فعل محذوف است و «قَوْلًا» مفعول مطلق و نایب آن فعل محذوف می باشد، یعنی «سَلَامٌ يُقَالُ لَهُمْ قَوْلًا مِنْ رَبِّ...». تنکیر «سَلَامٌ» و «رَبِّ» برای تعظیم است.

دریافت سلام و تحیت از جانب خداوند، آرزو و خواسته بهشتیان است. «وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ. سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۷/۳۶ و ۵۸)؛ محتمل است «سَلَامٌ» بیان برای «ما يَدْعُونَ» باشد. سلام و تحیت خداوند به بهشتیان، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است. سخن گفتن خداوند با بهشتیان و دریافت سلام و تحیت بزرگ از جانب او، بیانگر مطلب یاد شده است.

سلام پروردگار بر نوح نبی (ع): خداوند سلام و تحیت خود را نسبت به چند پیامبر بزرگ - ابراهیم، موسی (ع) و هارون (ع) - نقل فرموده، ولی قید «فِي الْعَالَمِينَ» را تنها در مورد نوح (ع) آورده است.

بر اساس آیات قرآن، سنت سلام و تحیت بر نوح (ع)، در میان نسل های پس از او نیز باقی مانده است: «وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (الصافات، ۷۸/۳۷). سلام و تحیت بزرگ خداوند به ابراهیم (ع): «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (الصافات، ۱۰۹/۳۷). تنوین «سَلَامٌ» برای تفضیم است. سلام و تحیت بر بندگان خدا - پیامبران و ... - امری پسندیده است.

سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (ع): «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ» (الصافات، ۱۲۰/۳۷). تنوین «سَلَامٌ» برای تفضیم است. از سلام همراه با تکریم خداوند به موسی و هارون (ع)، برداشت یاد شده به دست می آید. سنت سلام و تحیت بر موسی و هارون (ع) در میان نسل های پس از ایشان نیز باقی مانده است.

سلام بر الیاس: سلام و تحیت بزرگ خداوند بر الیاس پیامبر (ع) در این آیه آمده است:

«سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (الصفات، ۱۳۰/۳۷). تنوین «سَلَامٌ» برای تفخیم است و «إِبْرَاهِيمَ» همان «الیاس» می باشد. سنت سلام و تحیت بر الیاس پیامبر (ص)، در میان نسل های پس از او نیز باقی مانده است.

سلام و تحیت بزرگ خداوند بر همه رسولان الهی: «وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ» (الصفات، ۱۸۱/۳۷). نکره آمدن «سَلَامٌ»، در این آیه بیانگر تفخیم است. سلام و تحیت بر پیامبران الهی، امری پسندیده و ارزشمند و سنتی الهی است.

سلام و خوش آمدگویی در بانان بهشت به تقوایندگان، هنگام ورود آنان: «وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (الزمر، ۷۳/۳۹).

استقبال فرشتگان از بهشتیان: «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ». ورود میهمانان - فرشتگان - ابراهیم (ع) بر آن حضرت: ارزش والای ابتدای به سلام، برهمگان مسلم است. خداوند، ابتدا وصف «مکرم» را برای میهمانان ابراهیم (ع) آورده و سپس نخستین عمل آن میهمانان شریف؛ یعنی: سلام کردن را به هنگام ورود، یاد کرده است. لزوم پاسخ گفتن به سلام دیگران، پیش از هر سخن دیگر استفاده می شود. اصحاب الیمین، بر پیامبر (ص) درود و سلام می فرستند: در قرآن کریم آمده است: «فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (الواقعة، ۹۱/۵۶).

برخی از مفسران «سلام» را در این آیه به معنای تحیت و حرف «لام» را به معنای «علی» گرفته اند؛ یعنی: «فسلام علیک من اصحاب الیمین».

سلام از اسما و صفات: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (الحشر، ۲۳/۵۹).

«سَلَامٌ»؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْعَ الْفَجْرِ» (القدر، ۵/۹۷).

خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، «سَلَامٌ» نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه در کلام افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شر» اصالت ندارد.

سلامتی شب قدر، به سالم بودن مقدرات الهی در آن شب است؛ در نتیجه، خدای

تعالی در مقدرات خویش، تنها خیر و سلامتی را تقدیر می کند. بنابر احتمالی دیگر، عبارت «من کُلِّ امرٍ» در آیه قبل، به عبارت «سَلَامٌ هِيَ» در این آیه مربوط است و مفاد آن چنین می شود: «هِيَ سَلَامٌ مِنْ كُلِّ امْرٍ». در این صورت، باید پس از «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» وقف کرد و مراد از «كُلِّ امْرٍ» نیز امور ناخوشایند خواهد بود.

بنابراین مفاد آیه چنین می شود: خداوند می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روح الامین، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند».

نتیجه

کلمه «سلام» به معنای امنیّت و سلامت است. و سلام اگر به طور مطلق و بدون قید به کار رود، به معنای سلامت از هر آفت و عیب و نقصی است و می توان گفت که در قرآن کریم نیز به همین معنا به عنوان یکی از اسماء ذاتیه الهی به کار رفته است.

«سلام» مصدر باب تفعیل است و چون این باب گاهی به معنای متعدی به کار می رود، لذا «سلام» در رابطه با خداوند یکی از صفات فعلیه او نیز به حساب می آید، یعنی: عالم هر چه دارد به تسلیم الهی است. اگر «سلام» خداوند منظور باشد. استعمال آن دو گونه است الف: «سلام» به معنای سالم بودن از گناهان و عیوب، یعنی: خداوند شما را از تمامی گناهان و عیوب و نقص ها مبرا کرده است، و خداوند در قرآن کریم نیز به همین معنا به رسولان خود سلام داده است.

ب: این که سلام به لحاظ متعدی بودنش، به معنای تسلیم است و معنای تسلیم واگذار کردن امری به کسی است.

مقصود از «سلام» ممکن است فعل خدا باشد؛ یعنی از سوی خداوند بر آنان سلامت و امنیّت نازل می شود.

کلمه «سلام» بیش از چهل بار در قرآن کریم به معانی گوناگون به کار رفته است؛ از جمله: تسلیم شدن، سعادت، آرامش، امنیّت، سلامت، وداع، رحمت، سالم و سخن خالی از لغو.

در قرآن برای سلام اقسامی بیان شده است و به دو نوع آن اشاره می شود.

اول: سلام خوف: گاه فردی به جهت خوف از شخصی به وی سلام می کند و می کوشد

تا از دست و زبان و اعمال و رفتار آن شخص در امان باشد. این سلام به معنای اعلان صلح است.

مؤمن هنگامی که با مخالفان جاهل مواجه می‌شود و ترس آن وجود دارد که مخالف جاهل گمان کند ممکن است آسیبی از سوی مؤمن به وی برسد؛ اما او با اعلان صلح و سلامت می‌کوشد تا چنین تصویری را از ذهن مخاطب جاهل دور سازد. «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۳۶/۲۵).

این شیوه را فرشتگان نیز به کار برده‌اند. آنان که به شکل مردانی غریب و نا آشنا بر حضرت ابراهیم (ع) وارد شده بودند، برای آن که آن حضرت از ایشان نهراسد و گمان دشمنی نبرد، بر آن حضرت سلام می‌کنند تا بدین وسیله خوف را از مخاطب بزایند و به وی اعلان صلح و دوستی دهند. «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ» (الحجر ۱۵/۵۲)؛ «هنگامی که فرشتگان بر او- ابراهیم- درآمدند، بی درنگ گفتند: سلام. او نیز گفت: من از شما هراسانم. در آیات دیگر آمده است که علت این ترس، ناشناس بودن مهمان بود.

دوم: سلام محبت: این نوع «سلام» ویژه مؤمنان است. خداوند در آیات قرآن (مریم، ۱۹/۶۲) گزارش می‌کند که مؤمنان در بهشت هرگاه بر یک دیگر وارد می‌شوند سلام می‌کنند. بلکه از آنان جز سخنان نیکو و سلام و صلح شنیده نمی‌شود و از سخنان لغو و بیهوده اعراض می‌کنند.

-
- | | |
|--|--|
| ۱. مجمع البیان، ۳-۴/۱۳۱. | ۱۲. مجمع البیان، ۵-۶/۷۸۲. |
| ۲. تهذیب الأحکام، ۲/۳۲۹. | ۱۳. التفسیر الکبیر، ۸/۴۸۱. |
| ۳. الخصال، ۲/۴۸۴؛ وسائل الشیعة، ۷/۲۷۰. | ۱۴. مجمع البیان، ۹-۱۰/۷۹۰. |
| ۴. تفسیر الصافی، ۱/۴۷۷. | ۱۵. همان، ۷-۸/۵۷۹؛ الکشف و البیان، ۸/۶۱. |
| ۵. الکافی، ۲/۶۴۶. | ۱۶. الجوهر الثمین، ۲/۷۶. |
| ۶. التفسیر الکبیر، ۴/۱۰/۱۶۱. | ۱۷. البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/۱۴۰. |
| ۷. لسان العرب، ۱۲/۲۸۹ «سلم». | ۱۸. المناقب «ابن شهر آشوب»، ۴/۱۸. |
| ۸. المفردات/۴۳ «سلم». | ۱۹. الکافی، ۸/۱۰۰. |
| ۹. مجمع البیان، ۷-۸/۵۷۹. | ۲۰. بحار الأنوار، ۵۶/۳۲۶. |
| ۱۰. همان، ۵۶۸. | ۲۱. تفسیر نور الثقلین، ۳/۳۲۷. |
| ۱۱. المیزان، ۱۵/۲۴۵. | |